

رابطهٔ تحصیلات با میزان شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی

سارا کَشکر^۱
محمد احسانی^۲
حمید قاسمی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۴

تاریخ وصول: ۹۰/۳/۳

چکیده

تحصیلات و اثر آن بر میزان شرکت در ورزش تفریحی یعنی ورزشی که فرد در زمان فراغت خود در آن حضور می‌یابد در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق تعداد ۱۲۰۰ نفر از زنان شهر تهران به عنوان نمونه آماری با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای بطور تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه تحقیق را که توسط محقق ساخته و روایی و اعتبارسنجی ($\alpha=0/93$) شده بود، پاسخ دادند. روش تحقیق از نظر استراتژی توصیفی و از نظر مسیر اجرا پیمایشی بود. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون خی دو و آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که افراد با تحصیلات مختلف بطور یکسان با انواع مختلف عوامل بازدارنده‌ای که بالقوه می‌توانند محدودیت یا موانعی برای مشارکت بانوان در فعالیت ورزشی فراهم آورند، مواجه می‌باشند و میزان تحصیلات هیچ تأثیری بر امر فوق ندارد. اما با این وجود، زنان تحصیلکرده در مقایسه با زنان دارای تحصیلات پایین‌تر حضور بیشتری در فعالیت‌های ورزش تفریحی داشتند. علی‌رغم مواجهه افراد سطوح مختلف تحصیلی با عوامل

۱- استادیار دانشگاه علامه طباطبایی keshkar@atu.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس mehsaniteh@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه پیام نور ghasemione@yahoo.com

بازدارنده، میزان مشارکت در ورزش در بین افراد با تحصیلات بالاتر از لیسانس به مراتب بیشتر از سایرین بود.

واژگان کلیدی: ورزش تفریحی، شرکت در ورزش، زنان، تحصیلات.

مقدمه

امروزه نقش تحصیلات در زندگی زنان اهمیت ویژه‌ای یافته است و حضور زنان تحصیلکرده در خانواده و جامعه اثرات بسیار مثبت و قابل توجهی، را به دنبال دارد. زنان تحصیلکرده امکان سلامت اقتصادی و تصمیم‌گیری بهتری دارند و نسبت به خود و جامعه بصیرت بیشتری دارند. سواد و تحصیلات، از دیدگاه اقتصادی، افراد را به‌سوی رشد و توسعه درون‌زاد و خلاق و هماهنگ با اجتماع و کشور هدایت می‌کند و از دیدگاه تخصصی، جامعه را موفق می‌سازد (میرغفوری، تورانلو، میرفخرالدینی، ۱۳۸۸).

بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که احتمال وجود خطر بیماری‌های مختلف از جمله بیماری‌های قلبی - عروقی در زنانی که به مدرسه نرفته‌اند و یا تحصیلات کمی دارند نسبت به زنان تحصیلکرده بیشتر است. محققان این مطلب را به دلیل وجود ریسک فاکتورها یا همان عوامل خطرزای بیشتر در این زنان می‌دانند. احتمال سیگاری بودن، چاقی، عدم رعایت رژیم غذایی، عدم تحرک بدنی در این زنان بیشتر است و این امر به علت کمبود آگاهی و آموزش ضعیف، اکثر این زنان می‌باشد.

ورزش به عنوان ابزاری کارآمد می‌تواند تضمین‌کننده سلامت و تندرستی در بین زنان جامعه ما باشد. در همین راستا، نیازی (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان داد که وضعیت سلامت جسمانی زنان شرکت‌کننده در ورزش همگانی بهتر از زنان غیرفعال است و زنان شرکت‌کننده در ورزش همگانی اضطراب و اختلال خواب کمتری از زنان غیر

فعال دارند. و همچنین وضعیت کارکرد اجتماعی زنان شرکت کننده در ورزش همگانی بهتر از زنان غیر فعال بود؛ وضعیت افسردگی زنان شرکت کننده در ورزش همگانی نیز کمتر از زنان غیر فعال بود. بر این اساس، مبادرت به فعالیتهای ورزشی نیازمند آگاهی فرد نسبت به ضرورت و لزوم تحرک بدنی در زندگی فردی است و حل مسائل و یافتن راهکارهای مناسب زندگی در بین زنان تحصیل کرده به مراتب بهتر از سایر زنان می باشد و به همین دلیل منطقی است که انتظار داشته باشیم که زنان تحصیل کرده نسبت به ارزش و فواید بی شمار ورزش در زندگی خود و اطرافیانشان اهمیت بیشتری نشان داده و طبعاً حضور بیشتری در فعالیتهای ورزشی داشته باشند.

در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، تحقیقاتی صورت گرفته است و در پاره ای از این تحقیقات مشخص شده است که سطح تحصیلات ارتباط بسیار قوی با شرکت در فعالیتهای ورزشی دارد. براین اساس گراتون و تیس^۱ (۱۹۹۱) با تجزیه و تحلیل داده های آماری مرکز آمار انگلیس به این نتیجه رسیدند که هر چه تحصیلات افراد بالاتر می رود، نسبت به افراد دارای تحصیلات پایین، بیشتر در فعالیتهای ورزشی شرکت می کنند. این نتیجه با تحقیقات تورکیلدن^۲ (۱۹۹۲) تأیید شد. او نشان داد که نوع و مدت زمان تحصیل بطور معناداری با شرکت در فعالیتهای ورزشی رابطه دارد.

همچنین تحقیقات ارتباط قوی بین مدت زمان تحصیل در بین سنین مختلف نشان داده اند و این موضوع در مطالعه ای که توسط کولتر و همکارانش (۱۹۹۵) صورت گرفت ثابت شده است و نتایج تحقیق او نشان می دهد که:

۱. Tice

۲. Torkildsen

• افرادی که بصورت تمام وقت تحصیل می‌کنند (سنین بالای ۱۸ سال) بیشترین میزان شرکت در فعالیتهای ورزشی را نشان دادند.

■ در بین جوانان ۱۶-۱۷ ساله که به طور تمام وقت تحصیل می‌کنند نسبت به آن دسته از جوانانی که تحصیل پاره وقت دارند، بالاترین میزان شرکت در فعالیتهای ورزشی مشاهده می‌شود.

■ رابطه مثبت معنادار بین کیفیت تحصیل و شرکت در فعالیتهای ورزشی وجود دارد (کولتر و همکاران ۱۹۹۵).

در رابطه با مواجهه با عوامل بازدارنده از مشارکت در فعالیتهای ورزش تفریحی مشخص شده است که مواجهه با عوامل بازدارنده در بین افراد دارای تحصیلات پایین و افراد تحصیل نکرده به طور معنی‌داری بیشتر از افراد تحصیل کرده است. (الکساندریس^۱ و کارول^۲ ۱۹۹۷). آقا بیگی و کریمی (۱۳۷۸) در تحقیقی که در دانشگاه اصفهان انجام شد مشخص نشان دادند که هیچ یک از فاکتورهای جنسیت، سن، بی‌انگیزگی، وضعیت اقتصادی و عدم دسترسی به امکانات ورزشی که در تحقیق مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته بود، عامل نپرداختن به ورزش در اوقات فراغت نبوده و تنها دلیل عدم شرکت اعضای هیئت علمی در ورزش عدم وجود فرصت کافی بود. همچنین داداشی و احسانی (۱۳۷۹) در پژوهش خود بر عوامل بازدارنده‌ای که دانشجویان با آن مواجه بودند، نشان دادند که وقت، علاقه، پول، امکانات، ناآگاهی، مهارت، روابط اجتماعی، وسیله نقلیه و آمادگی جسمانی از مهمترین وامل بازدارنده دانشجویان از شرکت در فعالیتهای ورزش تفریحی بود. پائین بودن بازدارندگی عوامل نه‌گانه از حدمتوسط مقیاس بکار رفته در تحقیق، نشان می‌دهد

۱. Alexandris

۲. Carrol

که در محیط دانشگاهی موردنظر هیچ یک از عوامل مورد مطالعه به طور جدی مانع از فعالیت‌های ورزشی دانشجویان نمی‌شوند. به هرحال تجزیه و تحلیل دقیق‌تر اطلاعات نشان داد که در این میان عوامل وقت و علاقه نقش بازدارندگی بیشتری داشتند.

همفریس و همکارانش (۲۰۰۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که افراد دارای تحصیلات عالی و شاغل بیش از افراد بیکار و دارای تحصیلات پایین در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند و این امر به دلیل دستمزد بیشتری است که افراد تحصیلکرده نسبت به سایرین دریافت می‌کنند و از آنجا که میزان دستمزد معیار سنجش خوبی برای استفاده مناسب از زمان فراغت است، لذا احتمال حضور این دسته از افراد در فعالیت‌های ورزشی که معمولاً با هزینه زیادی همراه است، بیشتر است. اما به هرحال این افراد به دلیل کمبود وقت، مدت زمان حضورشان در ورزش نسبت به سایرین کمتر است.

کریسی و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی خود بر تأثیر ورزش بر روی دختران و پسران دانشجو و اثر آن در روند فعالیت‌های آموزشی به این نتیجه رسیدند که دخترانی که در ورزش شرکت می‌کنند در قیاس با آنها که ورزش نمی‌کنند رشد بهتری در فعالیت‌های تحصیلی خود دارند و این امر موجب می‌شود که دختران بیشتر به انتخاب درس تربیت بدنی در قیاس با پسران علاقمند گردند.

براین اساس تحقیق حاضر به دنبال بررسی میزان حضور زنان تحصیلکرده در صحنه ورزش در اوقات فراغت و مقایسه آن با زنان دارای تحصیلات پایین‌تر است و به این ترتیب محقق در پی یافتن پاسخ به سؤالات زیر است:

آیا زنان تحصیلکرده در مقایسه با زنان دارای تحصیلات پایین، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های ورزشی دارند؟

آیا زنان تحصیلکرده برای مشارکت در ورزش با عوامل بازدارنده مواجه هستند؟
آیا عوامل بازدارنده افراد تحصیلکرده از شرکت در ورزش تفاوتی با سایر زنان دارد؟
مراد از زنان تحصیلکرده بانوان آموزش دیده در مراکز آموزش عالی می‌باشند که در این مقاله منظور زنان دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس است که در مقایسه با زنان دارای تحصیلات پایین‌تر از لیسانس در رابطه با میزان شرکت در فعالیتهای ورزش تفریحی مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق، از نظر استراتژی توصیفی و از نظر مسیر اجرا، پیمایشی است. در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته ای تهیه شد و پس از انتخاب حجم نمونه، پرسشنامه‌های مذکور با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای در اختیار آزمودنی‌هایی که با روش تصادفی ساده انتخاب شدند، قرار گرفت.
جامعه آماری در این تحقیق عبارت بود از کلیه بانوان تهرانی که طبق تنها آمار قابل استناد مربوط به سرشماری نفوس شهر تهران در سال ۱۳۷۵، حدود ۵ میلیون نفر برآورد شده است. برای تعیین تعداد نمونه با استفاده از جدول مورگان و سطوح متغیرهای تحقیق که عبارت بود از سه سطح تحصیلی دیپلم و زیردیپلم، بالای دیپلم و بالای لیسانس، تعداد ۱۲۰۰ نفر محاسبه گردید و این تعداد می‌بایست از سراسر شهر تهران انتخاب می‌شدند. با توجه به اینکه در هر تحقیق امکان افت آزمودنی وجود دارد، لذا حجم نمونه به ۱۵۰۰ نفر افزایش یافت. در نهایت تعداد ۱۲۲۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای استفاده شد و برای این منظور مناطق

۲۲گانه شهرداری تهران در پنج بخش جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و از هر بخش تعدادی از مناطق بطور تصادفی انتخاب شد و از هر منطقه تعدادی ناحیه و از هر ناحیه تعدادی خیابان بطور تصادفی انتخاب شد و سپس طبق سهم نمونه محاسبه شده پرسشنامه‌های تحقیق توزیع شد. ابزار اندازه‌گیری این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که با اقتباس از پرسشنامه مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت (جکسون، گادبی و کرافورد ۱۹۹۳) و براساس ویژگی‌های جامعه ایرانی در سه سطح مختلف عوامل بازدارنده وابسته به فرد، وابسته به اطرافیان و وابسته به محیط تهیه شد و برای اطمینان از روایی محتوایی آن، تعدادی از متخصصین رشته مدیریت ورزش و نیز تعدادی از متخصصین روانشناسی محتوای پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند و برای تعیین اعتبار سؤالات پرسشنامه و نیز افزایش عوامل آن مطابق با هنجارهای بومی، پرسشنامه در اختیار تعدادی از ورزشکاران باشگاهی قرار گرفت. به این ترتیب، تعدادی از عوامل حذف و یا اصلاح گردید و در نهایت پرسشنامه‌ای با تعداد ۴۴ گزینه که با روش لیکرت و با ارزش عددی ۱ تا ۵ برای پاسخ هر سؤال امتیازبندی شده بود، تهیه شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه تهیه شده، اقدام به توزیع پرسشنامه بین تعداد ۷۰ نفر از بانوان ساکن تهران گردید و نتایج آلفای کرونباخ (۰/۹۳) نشان داد که پرسشنامه از اعتبار بسیار خوبی برخوردار است. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ در جدول زیر درج شده است:

ضریب	تعداد	آزمون	میانگین	درجه	مجموع	منبع تغییرات
آلفای	سؤالات	کوکران	مجدورات	آزادی	مجدورات	

	Q			کرونیباخ
واریانس بین	۱۴۰۰	۷۳	۳۲/۵۷	*۶۱۱
سؤالات	۶۴۷۷	۳۳۹۷	۱/۹۰	۴۴
واریانس	۷۸۷۷	۳۴۴۰	۲/۲۹	۰/۹۳
باقیمانده				
واریانس کل				

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی پرسشنامه تحقیق

* $P < 0.005$

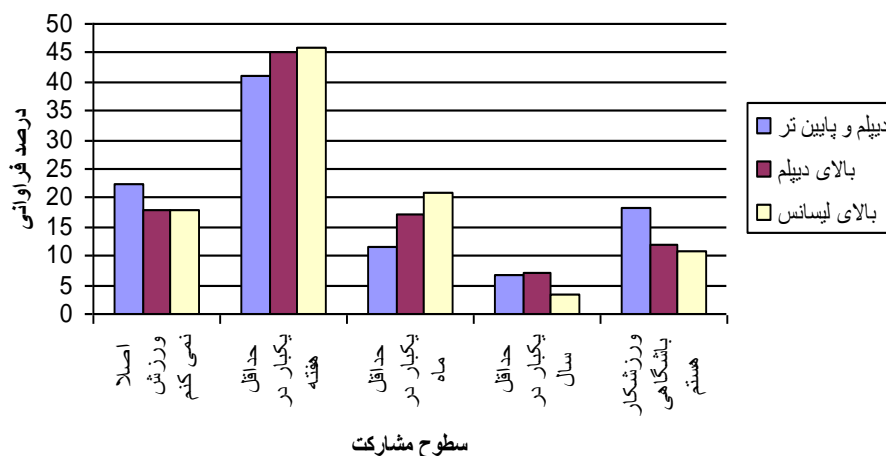
پرسشنامه تهیه شده به تعداد ۱۵۰۰ عدد تکثیر و مطابق با سهم نمونه هر منطقه شهری توسط تعدادی از دانشجویان در بین بانوان ۱۸ سال به بالای شهر توزیع شد. در پایان تعداد ۱۲۲۶ پرسشنامه جمع آوری شد.

یافته های تحقیق

مشارکت بانوان در ورزش بر حسب سطوح مختلف مشارکت مورد بررسی قرار گرفت این سطوح نشان دهنده حداقل تعداد دفعات شرکت بانوان در فعالیت ورزشی بر حسب هفته، ماه و سال بود.

نتایج آزمون خیدو دومتغیره، نشان داد که تفاوت فراوانی های مشاهده شده در متغیر مشارکت از فراوانی متغیر تحصیلات معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که ۲۲/۴۲٪ از زنان دارای تحصیلات دیپلم و پایین تر اصلاً در فعالیت های ورزشی شرکت نمی کنند و این میزان نسبت به دو گروه زنان دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر است. از طرفی با توجه به سه سطح حداقل یکبار در هفته، یکبار در ماه و یکبار در سال، ۷۷/۵۴٪ از زنان دارای تحصیلات دیپلم و پایین تر بیشترین مشارکت را در ورزش نسبت به دو گروه تحصیلات بالاتر از دیپلم (۸۱٪) و بالاتر از لیسانس (۸۱/۲٪) دارند.

نمودار 6-4 میزان مشارکت بر حسب سطوح تحصیل



جدول ۲. ارتباط بین سطوح تحصیلات و سطوح مشارکت در ورزش

سطوح مشارکت	سطوح تحصیلات			جمع	خی دو
	دیپلم و پایین تر	بالای دیپلم	بالای لیسانس		
اصلا ورزش نمی‌کنم	۱۷۶	۷۶	۵	۲۵۷	۱۹/۴*
درصد نسبت به گروه	۲۲/۴۲%	۱۷/۹%	۱۷/۸%		
حداقل یکبار در هفته	۳۲۱	۱۹۲	۱۳	۵۲۶	
درصد نسبت به گروه	۴۰/۸۹%	۴۵%	۴۶%		
حداقل یکبار در ماه	۹۲	۷۴	۶	۱۷۲	
درصد نسبت به گروه	۱۱/۷%	۱۷%	۲۱%		
حداقل	۵۳	۳۰	۱	۸۴	

یکبار در سال				
درصد	۳/۵%	۷%	۶/۷۵%	
نسبت به گروه				
ورزشکار باشگاهی	۱۹۷	۳	۵۱	۱۴۳
هستم				
درصد	۱۰/۷%	۱۲%	۱۸/۲%	
نسبت به گروه				
جمع	۱۲۳۶	۲۸	۴۲۳	۷۸۵
	۱۰۰%	۲/۳%	۳۴/۲%	۶۳/۵%

در رابطه با مواجهه با عوامل بازدارنده، نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس دو متغیره اندازه‌گیری مکرر نشان می‌دهد که تفاوت واریانس عوامل در سطوح متغیر تحصیلات از لحاظ آماری معنادار نیست یعنی افراد با تحصیلات مختلف به طور یکسان با انواع مختلف عوامل بازدارنده‌ای که بالقوه می‌توانند محدودیت یا موانعی برای مشارکت بانوان در فعالیت ورزشی فراهم آورند مواجه می‌باشند و میزان تحصیلات هیچ تأثیری بر امر فوق ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس عوامل بازدارنده در رابطه با متغیر سطوح مختلف تحصیلات

F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع تغییرات
*۱۶۸۶	۳۱۱۱۱۳	۱	۳۱۱۱۱۳	واریانس عوامل
۱/۹	۳۵۳	۲	۷۰۷	واریانس عوامل*
	۱۸۴۲	۱۲۴۰	۲۲۸۶۸۷	واریانس خطا

*P < ۰/۰۰۵

نتایج حاصل از اجرای آزمون LSD نشان می‌دهد در بین عوامل بازدارنده‌ای که ابزار این تحقیق مورد بررسی قرار داد، عوامل بازدارنده محیطی که عبارت بودند از عوامل مربوط به وضع اقتصادی، تجهیزات و اماکن، وقت و آگاهی بیشتر از عوامل وابسته به فرد (نگرش و حالات روانی فرد) و یا وابسته به اطرافیان (همراهی و عدم همراهی دوستان و خانواده) اهمیت داشتند.

جدول ۴. نتایج آزمون LSD ترکیب عوامل سه‌گانه

تفاوت میانگین‌ها		میانگین‌ها	
$۲/۵۲۵ =$	میانگین عوامل -	$۰/۲۷۸ *$	$۲/۲۴۶X۲ =$
وابسته به فرد			
$۲/۲۴۶ =$	میانگین عوامل	-	$۰/۹۱۵ *$
وابسته به اطرافیان			
$۳/۱۶۱ =$	میانگین عوامل	-	
وابسته به محیط			

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق گویای این نکته است که فرضیات این پژوهش، مورد تأیید قرار گرفته است و همان‌طور که تورکیلدسن (۱۹۹۲)، (کولتر ۱۹۹۵) و گراتون و تیس (۱۹۹۱) نشان دادند، میزان مشارکت افراد دارای تحصیلات عالی به نسبت به افراد دارای تحصیلات پایین‌تر در فعالیتهای اوقات فراغت، بیشتر است. تحقیق حاضر به نتایج مشابهی رسید و نتایج تحقیقات ذکر شده را مورد تأیید قرار داد. پس می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان تحصیلات افراد احساس نیاز بیشتری به فعالیتهای ورزش اوقات فراغت می‌یابند و شاید این امر با افزایش آگاهی‌های افراد در زمینه فواید ورزش و آثار آن صورت می‌گیرد. هرچند اظهار نظر قطعی در این مورد مستلزم انجام تحقیقاتی در زمینه بررسی علت مشارکت

بیشتر افراد تحصیلکرده در ورزش می‌باشد اما به هر ترتیب حدس محقق براین اساس استوار است که چون افزایش سطح تحصیلات موجب ارتقای آگاهی‌های فردی در زمینه‌های مختلف زندگی می‌شود و از طرفی قدرت تجزیه و تحلیل افراد تحصیلکرده در قیاس با سایرین بهتر است لذا منطقی به نظر می‌رسد که این دسته از افراد اهمیت ورزش را در زندگی خود دریافته و خود را بیشتر ملزم به شرکت در فعالیتهای ورزشی می‌نمایند.

نوع عوامل بازدارنده‌ای که افراد دارای تحصیلات عالی و افراد دارای تحصیلات پایین‌تر با آن مواجهند در تحقیقات احسانی و همکاران (۱۳۷۹)، الکساندریس (۱۹۹۷) و آقابیگی (۱۳۷۸) مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد که افراد با تحصیلات بالا، نیز مانند سایرین با عوامل بازدارنده فعالیتهای ورزش اوقات فراغت مواجه می‌شوند. اما تحقیقات ایرانی نشان می‌دهند که افراد بیشتر با عوامل بازدارنده محیطی مواجهند تا عوامل بازدارنده وابسته به فرد یا اطرافیان. در واقع یافته‌های تحقیق حاضر نیز مؤید نتایج فوق می‌باشد. اما یک نکته بسیار حائز اهمیت است و آن اینکه علی‌رغم مواجهه افراد سطوح مختلف تحصیلی با عوامل بازدارنده، میزان مشارکت در ورزش در بین افراد با تحصیلات بالای لیسانس به مراتب بیشتر از سایرین است افراد دارای تحصیلات عالی (بالتر از لیسانس) با درصد کم (۱۷/۸٪) در فعالیتهای اصلاً مشارکت ندارند و این در حالیست که درصد بالایی از افراد دیپلم و زیردیپلم در فعالیتهای اصلاً شرکت ندارند. لذا مواجهه با عوامل بازدارنده در بین قشر تحصیلکرده زنان شهر تهران در مقایسه با افراد دیپلم و زیردیپلم کمتر مانع مشارکت بانوان در فعالیتهای ورزشی می‌شود. این امر حاکی از آن است که افراد تحصیلکرده اثر بازدارندگی و محدودسازی عوامل بازدارنده را به نفع افزایش مشارکت در

ورزش تعدیل می‌کنند و این امر را با تغییر نوع فعالیت، مکان و یا زمان فعالیت و یا سایر راهکارهای مناسب انجام می‌دهند. لذا فقط مواجهه با عوامل بازدارنده دلیل کافی برای عدم مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نیست و از طرفی نمی‌توان مطمئن بود که اگر افراد با عوامل بازدارنده مواجه نشوند حتماً در ورزش شرکت می‌کنند. به نظر می‌آید انگیزه افراد برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی اثر بسیار مهمی در نوع واکنش افراد نسبت به عوامل بازدارنده ایجاد می‌کند. افراد تحصیلکرده به دلیل احساس نیازی که در پی آگاهی یافتن از اثرات مفید ورزش در زندگی اخذ کرده‌اند انگیزه مؤثرتری نسبت به سایر افراد برای انجام فعالیت‌های ورزشی احساس می‌کنند و به همین دلیل راهکارهای مؤثری را اتخاذ می‌کنند که از اثر بازدارندگی این عوامل بکاهند اما علت اینکه نتایج حاصل از تحقیق حاضر و نیز سایر تحقیقات انجام شده در ایران نشان داده‌اند که افراد صرف نظر از میزان تحصیلات، بیشتر با عوامل بازدارنده محیطی مواجهند و اهمیت عوامل وابسته به فرد و یا اطرافیان فرد در درجات بعدی اهمیت قرار دارد به نظر محقق به تفاوت شرایط موجود در کشورمان نسبت به کشورهای غربی مربوط می‌گردد. از آنجا که در کشور ما وضعیت موجود اقتصادی از عوامل بازدارنده بسیاری از فعالیت‌های موردنظر افراد است لذا طبیعی است که کمبودهای اقتصادی در بین اعضای خانواده عاملی محدودکننده و حتی سدکننده فعالیت‌های افراد باشد. اما به هر ترتیب دستیابی به نتایج دقیق، نیازمند بررسی‌های علمی دقیق‌تر نیز می‌باشد.

آقابیگی حافظ، کریمی جواد. (۱۳۷۸). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان با تأکید بر فعالیتهای ورزشی. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.*

داداشی، محمدصادق و احسانی محمد. (۱۳۷۹). عوامل بازدارنده از فعالیتهای ورزشی در اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.*

میرغفوری سیدحبیب اله، تورانلو حسین صیادی، میرفخرالدینی سیدحیدر. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی (مطالعه موردی: دختران دانشجوی دانشگاه یزد)، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۰-۸۳.

نیازی محمد. (۱۳۸۹). *مقایسه میزان سلامت عمومی زنان شرکت کننده در ورزش همگانی و زنان غیرفعال.* همایش سلامت روانی و ورزش. آکادمی المپیک.

منابع لاتین

- Gratton, C., & Tice, A. (۱۹۹۱). "The Demand for Sport: A Two-Stage Econometric Model estimated from the Health and Lifestyle Survey", Manchester Polytechnic Department of Economics Discussion Paper.
- Torkildsen, G. (۱۹۹۲). *Leisure and Recreation Management* (3rd Edition). London-Madras: E & FN Spon.
- Jackson, E. L., Crawford, D., & Godbey, G. (۱۹۹۳). "Negotiation of Leisure Constraints". *Leisure sciences*, ۷, ۱-۱۱.
- Coalter, F., Dowers, S., & Baxter, M. (۱۹۹۵). "The Impact of social class and education on sports participation: Some evidence from the general Household Survey". In Roberts, K., (Ed), *Leisure and Social Stratification* (P. ۵۹-۷۱). *Leisure Studies Association*, Publication No. ۵۳.
- Alexandris, K., Carrol, B. (۱۹۹۷). "Demographic differences in the Perception of Constraints on Recreational Sport Participation: results from a study in Greece", *Leisure Science*, Routledge, part of Taylor & Francis Group, Volume ۱۶, Number ۲.
- Humphreys, Brad R. & Ruseski Jane E (۲۰۰۷) "Participation In Physical Activity And Government Spending On Parks And Recreation", *Contemporary Economic Policy*, Volume ۲۵,

رابطهٔ تحصیلات با میزان شرکت بانوان در فصلنامه علمی-پژوهشی تجربیات
ورزش ...
۱۳۱

Crissey, Sarah., Pearson, Jennifer. and Riegle-Crumb, Catherine.(۲۰۰۸). "Gender Differences in the Effects of Sports Participation on Academic Outcomes" *Paper presented at the annual meeting of the American Sociological Association, Marriott Hotel, Loews Philadelphia Hotel, Philadelphia, PA, Aug ۱۲, ۲۰۰۵* <Not Available>. ۲۰۰۸-۰۹-۱۴ http://www.allacademic.com/meta/p۲۱۱۸۹_index.html